

اصول و مبانی فلسفی عقیدتی در مدیریت اسلامی

نویسنده: دکتر عبدالله جاسبی

چکیده

در این مقاله ابتدا مفهوم و انواع جهان بینی و تفاوت آنها با جهان احساسی مورد بحث قرار گرفته است و جهان بینی به عنوان یک نوع برداشت کلی از جهان هستی تعریف شده است که می تواند چهره جهان را نشان دهد. در بین جهان بینی های علمی، فلسفی و مذهبی، مدیریت اسلامی بر جهان بینی اسلام که نوعی جهان بینی الهی و مذهبی است و خصوصیات جهان بینی فلسفی را نیز دارا می باشد قرار گرفته است. آنگاه اصول و خصوصیات مدیریت اسلامی تحت عناوین سه گانه اصل جهان بینی اسلامی، اصل نظام گرایی و اصل کلیت و عام بودن با استناد به آیات قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و در انتها نتیجه گیری ارائه شده است.

مقدمه

گفته های بزرگان باشد ممکن است جهت گیری و راهیابی آن ناصحیح و انحرافی انجام شود و از نتیجه مورد نظر و مطلوب فاصله گیرد. در این مقاله هدف تبیین زیربنای فلسفی و جهان بینی است که بر اساس آن مدیریت اسلامی بایستی تدوین و تنظیم گردد، لذا ابتدا به بحث پیرامون مفهوم و انواع جهان بینی پرداخته و سپس مبانی فلسفی عقیدتی مدیریت اسلامی بیان گردیده است.

برای شناخت مدیریت اسلامی قبل از هر چیز بایستی زیربنای فکری و فلسفی آن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا معلوم شود که مسائل و موضوعات مدیریت در اسلام بر چه زیربنای فکری و فلسفی پی ریزی می گردد و از چه نوع جهان بینی و تفکر معنوی نشأت می یابد. در غیر این صورت هر نوع بحث و بررسی پیرامون مدیریت اسلامی اگرچه مبتنی بر آیات قرآن و

جهان بینی

۱- مفهوم جهان بینی

از آنجا که کلمه جهان بینی ظاهراً به معنی دیدن جهان مطرح می‌شود ممکن است برخی فکر کنند که منظور آن چیزی است که از حس بینایی یا دیدن در ارتباط با جهان به دست می‌آید. در حالی که دیدن یک حس است و توجه به آن نوعی جهان احساسی است، حال اینکه منظور از جهان بینی به مفهوم مصطلح آن شناخت جهان است نه احساس جهان، آن هم به صورت ناقص و توسط حس بینایی. لذا بایستی بین جهان بینی (به مفهوم مصطلح آن) و جهان احساسی (که دیدن جهان و درک جهان از طریق دیدن حالت خاص آن است) تفاوت اساسی قائل شد.

جهان احساسی به مفهوم درک جهان از راه بصره، چیزی که منحصر به انسان باشد نیست بلکه حیوانات نیز از آن برخوردار می‌باشند. حیواناتی هستند که هم از جهت بینایی و هم از دیگر جهات احساسی (حس چشایی، بویایی، بساوی و شنوایی) خیلی تیزتر و پیشرفته‌تر از انسان بوده و دستگاه احساسی آنها بسیار دقیق‌تر و ظریف‌تر از انسان کار می‌کند. اما وقتی جهان بینی به معنی شناخت جهان ارائه می‌گردد، در آن هدف‌های یک مکتب، راه و روش‌های وصول به آن، باید و نبایدهایی که در آن مکتب مطرح می‌شود، مسؤولیت‌هایی که بر دوش انسان می‌گذارد، ارزش‌هایی که آنها را معتبر دانسته و ضد

ارزش‌هایی که آنها را زشت و ناصواب می‌شمارد، نحوه نگرش به جهان و زندگی و موضوعات و حقایقی از این قبیل را مد نظر قرار می‌دهد. اینها همه و همه خاص انسان است و حیوانات از آن بی‌بهره‌اند. اینها موضوع مهم شناخت را که همان اصطلاح جهان بینی است و مختص انسان است مطرح می‌کنند.

در مراحل جهان‌بینی به مفهوم شناخت لزوماً حجم و مقدار اطلاعات به اندازه کیفیت آنها نقش اساسی ندارد. مثلاً شناخت بیشتر تعداد ستارگان، حیوانات و پدیده‌های طبیعی نمی‌تواند لزوماً در بینش و جهان‌بینی فرد تغییر اساسی ایجاد کند و او را به سطح بالاتری از جهان‌بینی ارتقا دهد. به عبارتی دیگر «نمی‌توان گفت کسی که کلاس بالاتری از یک علم را طی کرده از کسی که در کلاس پایین‌تر است جهان‌بینی بهتر و کامل‌تری دارد»^۱.

جهان‌بینی با این مفهومی که توضیح داده شد یک نوع برداشت کلی از جهان هستی را ارائه می‌دهد. در مورد اینکه آیا انسان می‌تواند جهان را بشناسد و چهره کلی آن را ترسیم کند دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی اعتقاد دارند که شناخت جهان ممکن نیست و آنچه که فلاسفه و دانشمندان در طول تاریخ در مورد جهان گفته‌اند شکلی است که خود ترسیم کرده و افسانه‌ای است که خود سر داده‌اند و به قول خیام:

۱- مرتضی مطهری، شش مقاله، جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی، انتشارات ملامدرآ، چاپ آرن، اسفند ۱۳۶۳.

مزیت شناخت علمی دقت و جزء نگری آن است. از یک جزء کوچک در آزمایشگاه هزاران قطعه اطلاع تهیه می‌گردد. اما علی‌رغم اطلاعات زیادی که از یک جزء به دست می‌آید دایره شناخت آن بسیار محدود است مثل نورافکنی که در تاریکی شب یک محدوده کوچک را روشن می‌کند. آن محدوده بسیار روشن و اجزاء آن کاملاً هویدا می‌گردد اما در یک شب تاریک فقط یک نقطه یا محدوده کوچک را می‌توانیم ببینیم. قطعاً این نقطه یا محدوده نمی‌تواند از چهره کلی جهان تصویری به ما ارائه دهد.

روش جهان‌بینی علمی در حقیقت همان روش شناخت فیل توسط کوران در داستان مثنوی است. هر کدام از کوران یک جزء از فیل را لمس می‌کردند و بر اساس آن اظهار می‌نمودند، یکی پای فیل را لمس می‌کرد و آن را ستون می‌نامید، دیگری گوش فیل را لمس کرده و آن را بادبزن معرفی می‌کرد و آن دیگر خرطوم فیل را لمس کرده و آن را ناودان می‌دانست. اما فیل هیچیک از آنها نبود و بلکه مجموعه آنها نیز نبود^۱.

البته روش علمی شامل روش سیستم‌ها که در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است نیز می‌گردد که در آن برای حل مسائل و شناخت پدیده‌ها، ابعاد مختلف آنها را مورد بررسی قرار می‌دهند و به‌جای جزء نگری یا روش کل نگری به موضوع و پدیده می‌نگرند. اما آنچه که باز هم آن را محدود می‌کند این است که شناخت علمی حتی در

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون
گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند
موضوع شناخت جهان در طول تاریخ به
شیوه‌های مختلفی دنبال شده است. این موضوع در
این مقاله تحت عنوان جهان‌بینی‌های علمی،
فلسفی و مذهبی مورد بحث قرار می‌گیرد.
بدین ترتیب جهان‌بینی به‌طور کلی به سه طریق
مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از: جهان‌بینی
علمی، جهان‌بینی فلسفی و جهان‌بینی مذهبی

۲- جهان‌بینی علمی

در جهان‌بینی علمی ادعا می‌شود که می‌توان بدون استمداد از فلسفه و مستقل از آن و تنها با استفاده از تجربه و آزمایش جهان را تعریف کرده و شناخت. بررسی شناخت علمی مبتنی بر سه جزء اساسی است که عبارتند از بررسی واقعیت‌ها و روند شکل‌گیری آنها، ارائه فرضیه بر اساس این واقعیت‌ها و بالاخره آزمون فرضیه و ارائه نظریه.

عالم در روش علمی قضایای مورد نظر خود را بررسی و مطالعه می‌کند و از مجموعه مطالعه و بررسی‌ها، فرضیه‌هایی در ذهن خود می‌سازد و سپس آن را مورد آزمون قرار می‌دهد. اگر آزمون فرضیه را تأیید کرد که فرضیه به صورت یک قانون طبیعی مطرح می‌شود و اگر تأیید نشد فرضیه دیگری جانشین آن می‌گردد.

۲- دکتر عبدالله جاسبی، اصول و مبانی مدیریت، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، صفحه...

روش سیستمیک آن فقط در دایره مادیات به بررسی جهان می‌پردازد و لذا تنها بخش مادی جهان را مورد مذاقه قرار می‌دهد. به علاوه در شناخت جهان مادی نیز دارای محدودیت زیاد بوده و تنها بخش کوچکی از اطلاعات جهان طبیعت را داراست و در مورد آنچه کشف شده و مورد آزمون واقع گردیده است می‌تواند اظهار نظر نماید و قضاوت کند، و قدرت تجزیه و تحلیل همه هستی و حتی همه جهان مادی را نیز ندارد.

بنابراین روش شناخت جهان از نظر علمی به‌خاطر میزان جهل انسان نسبت به جهان، روش نارسا و گمراه کننده است. این روش به همان نسبت که یک پدیده کوچک را دقیق و عمیق بررسی می‌کند از بررسی و معرفی چهره کلی جهان عاجز و ناتوان است.

از آنجا که روش شناخت علمی نمی‌تواند چهره کلی جهان را بیان کرده و نشان دهد لذا به سؤالاتی از قبیل اینکه، جهان چگونه به وجود آمده؟ از کجا آمده؟ به کدام جهت حرکت می‌کند؟ به کجا خواهد رسید؟ آیا در جهان وحدت حاکم است یا کثرت؟! آیا سنت‌های لایتغیر حاکم است یا همه چیز تصادفی است؟ جهان از عدم به وجود آمده است یا تنها تغییر ماهیت و شکل داده است؟ نمی‌تواند پاسخ درست و قابل قبولی دهد.

نارسایی دیگر روش شناخت علمی این است که ارزش علمی دارد نه نظری و لذا نمی‌تواند آرمان‌ساز و ایمان‌زا باشد و در نتیجه نمی‌تواند

تکیه‌گاه ایدئولوژی واقع شود.

مشکل و نارسایی دیگر شناخت علمی این است که وضع ناپایداری دارد چرا که علم بر بررسی‌ها، فرضیه‌ها و آزمون‌ها تکیه می‌کند که همه آنها در حال تغییر است، بر خلاف فلسفه که بر بدیهیات اولیه عقلی و اصول ثابت غیر قابل تغییر تکیه می‌کند لذا علم نمی‌تواند تکیه‌گاه ایدئولوژی و مکتب باشد.

شهید مطهری می‌گوید «همه کسانی که از جهان‌بینی علمی دم زده‌اند و یا فلسفه خود را فلسفه علمی خوانده‌اند، اگر درست دقت شود بر شهر نوعی فلسفه نشسته و در حوزه‌هایی وارد شده‌اند که پای علمی به آنجا نمی‌رسد. صرفاً با یک سلسله شباهت‌های سطحی میان برخی فرضیه‌های خود با بعضی داده‌های علم به غلط فلسفه خود را فلسفه علمی و جهان‌بینی خود را جهان‌بینی علمی نامیده‌اند»^۳.

۳- جهان‌بینی فلسفی

جهان‌شناسی فلسفی دقت و تشخیص جهان‌شناسی علمی را برای یک حوزه محدود ندارد، اما از آنجا که متکی به اصول بدیهی و ثابت است دارای ارزش نظری مطلق و قابل اعتماد و نامحدود است.^۴

این نوع جهان‌بینی تنها یک حوزه محدود را شامل نمی‌شود بلکه بر روی همه هستی نور می‌اندازد اگرچه روشنی آن قوی و شدید نباشد. در

۳- مرتضی مطهری، شش مقاله، انتشارات صدرا، چاپ آرن، اسفند، ۱۳۶۳ صفحه ۲۸۲ و ۲۸۳

۴- البته شرط قابلیت اعتماد جهان‌بینی فلسفی، اتکاء آن بر اصول بدیهه عقلی است والا بسیاری گفتارهایی که نه عملی‌اند، نه منطقی و نه فلسفی.

منطق ثابت و همیشگی برخوردار باشد. مجموعاً بر جهان‌بینی اسلامی منطبق خواهد شد و به یک نتیجه خواهند رسید.^۴

مکتب‌های الهی و به‌خصوص مکتب اسلام به خاطر ارتباط با مبدأ آفرینش از طریق وحی، همه آنچه را که برای هدایت و سعادت بشر لازم است در بر می‌گیرد^۵ و لذا جهان‌بینی فلسفی و علمی را نیز به نحو احسن و تکامل یافته در خود دارد.

اصول و خصوصیات مدیریت اسلامی

مهمترین اصول و خصوصیات مدیریت در اسلام عبارتند از اصل جهان‌بینی اسلامی، اصل نظام‌گرایی یا سیستمیک و اصل جامعیت و عام بودن که هر یک به‌طور جداگانه توضیح داده می‌شود.

۱- اصل جهان‌بینی اسلامی

مدیریت اسلامی مدیریتی است مکتبی و نظام ارزشی اسلام به عنوان یک مکتب بر تمامی اجزای تشکیل دهنده این مدیریت حاکم است. به عبارت دیگر ریشه‌های مدیریت اسلامی از نظام ارزشی اسلام تغذیه می‌نماید نه از آنچه که به نام دانش مدیریت در مکاتب و دانشگاه‌های شرق و غرب انتشار یافته است. روابط انسانی و اصولی که امروز در نظام‌ها و کشورهای شرق و غرب انتشار یافته است. روابط انسانی و اصولی که امروز در نظام‌ها و

این جهان‌شناسی راجع به اصل هستی و تحولات آن بحث می‌شود و قیافه کلی جهان مشخص می‌گردد و لذا ایجاد‌کننده یا ویران‌کننده ایدئولوژی‌ها برای انسان است. این نوع جهان‌بینی به انسان نسبت به جهان نگرش می‌بخشد تا در مورد جهان موضع بگیرد.

۴- جهان‌بینی مذهبی

جهان‌بینی مذهبی از نظر کیفیت و برد نوعی جهان‌بینی فلسفی است، بدین ترتیب که قیافه کلی جهان را نشان می‌دهد، بایدها و نبایدها را مشخص می‌کند و پایه‌های ایدئولوژی را برای انسان می‌سازد. تفاوت این جهان‌شناسی با جهان‌شناسی فلسفی در این است که پایه‌های آن بر وحی استوار است که اختصاص به انبیاء الهی دارد.

با این استدلال که وحی از جانب خالق جهان هستی و سرچشمه شناخت و منشأ توجه دادن به عقل و منطق است پس می‌توان پذیرفت که جهان‌بینی مذهبی نوعی جهان‌بینی فلسفی است که دارای قداست نیز می‌باشد و از اطمینان و اعتماد بی‌پایان و کامل برخوردار است.

در حقیقت می‌توان گفت که جهان‌بینی علمی وقتی که شمول پیدا کند و همه هستی را در برگیرد (زمانی فرا رسد که انسان همه معلومات جهان مادی را داشته باشد و هیچ چیز مجهول برای او نباشد) و جهان‌بینی فلسفی وقتی که از استدلال و

۴- رجوع شود به کتاب راه طی شده نوشته مهندس مهدی بازرگان

۵- آیه ۹ سوره اسراء ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم

۲- اصل نظام‌گرایی یا سیستمیک

اکنون که مشخص شد ریشه و اساس مدیریت اسلامی را جهان‌بینی تشکیل می‌دهد بایستی توضیح دهیم که دیدگاه‌های فلسفی می‌تواند شامل ابعاد خاصی از زندگی انسان گردد و یا تمامی ابعاد زندگی را شامل شود. مثلاً ممکن است اساس و ریشه یک جهان‌بینی را تفکر و بینش اقتصادی تشکیل دهد و یا بینش اصالت وجود را مطرح کند. اسلام بر خلاف این‌گونه مکاتب از نظر جهان‌بینی و فلسفی یک نظام کامل و چند بعدی است. بدین معنی که فقط در یک زمینه خاص مثلاً در باب اقتصاد یا اخلاق یا سیاست و... دارای نظر نیست بلکه در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دارای دیدگاه و نظر است و به صورت یک مجموعه هماهنگ است که اجزای آن با یکدیگر مرتبط بوده و روی یکدیگر اثر می‌گذارد و همواره انسان، گروه یا جامعه را جدا از محیط و مجزا از ارزش‌ها و قوانین حاکم بر محیط آن ارزیابی نمی‌کند و اینها همان خصوصیات نظام‌گرایی یا تفکر سیستمیک به مفهوم عام و چند بعدی آن است.^۶

باید توجه داشت که در اسلام نمی‌توان یک بعد از ابعاد زندگی را مورد عنایت قرار داد و بقیه را به فراموشی سپرد. مثلاً اینکه سعی شود اقتصاد در جامعه شکوفا گردد اما اخلاق، فرهنگ و سایر ابعاد اجتماعی تحت‌الشعاع آن قرار گرفته و از اولویت

کشورهای مختلف بر اداره امور تنظیم شده است مبتنی بر نوعی تفکر فلسفی و یا بینش اجتماعی است و در حقیقت آنچه که امروز در نظام‌های مختلف به عنوان اصل در مدیریت پذیرفته شده است بر اساس جهان‌بینی یا بینش خاصی است که نظام‌ها و جوامع آن را پذیرفته‌اند. در حقیقت آنچه به نام اصول و زیربنای مدیریت مطرح می‌گردد یک مقوله فلسفی است خواه اسلامی باشد یا غیر اسلامی و آنچه که به نام علم مطرح می‌گردد دانشی است که مشخص‌کننده پدیده‌های مختلف و تفسیرکننده روابط بین این پدیده‌ها است. بنابراین آنچه که به صورت علم در آمده است بیشتر روش‌های کمی و فرمول‌ها و تکنیک‌هایی است که می‌تواند به عنوان ابزاری در اختیار این اصول و روابط قرار گیرد خواه این اصول و روابط اسلامی باشد یا مبتنی بر سایر بینش‌ها و جهان‌بینی‌های فلسفی.

بنابراین مدیریت به مفهوم عام آن در همه سیستم‌های اجتماعی مبتنی بر یک مقوله فلسفی عقیدتی است گرچه در تحقق اهداف خود از روش‌ها و تکنیک‌های علمی بهره‌گیرد.

در اسلام نیز مدیریت مبتنی بر جهان‌بینی الهی است و ریشه در نظام ارزشی اسلام دارد. اما برای تحقق هدف‌های خود ممکن است از کلیه روش‌های موجود به عنوان یک وسیله یا ابزار استفاده نماید.^۷ لذا جهان‌بینی الهی زیربنا و تفکر حاکم بر مدیریت اسلامی خواهد بود.

۶- برای توضیح بیشتر این قسمت مراجعه شود به فصل اول کتاب «مدیریت اسلامی» نوشته دکتر سید علی اکبر افجه‌ای، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴

۷- برای توضیح بیشتر رجوع شود به فصل سوم از کتاب اصول و مبانی مدیریت تحت عنوان سیستم‌های اجتماعی نوشته دکتر عبدالله جاسبی

بين الله و رسله و يقولون نؤمر ببعض و نحضر بعض و يريدون ان يتخذوا بين ذلك سبيلاً ﴿١٠﴾ اولئك هم الكافرون حقاً و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً ﴿١١﴾ و الذين امنوا بالله و رسله و لم يفرقوا بين احد منهم اولئك سوف يؤتيهم اجرهم و كان الله عفورا رحيماً ﴿١٢﴾

آنان که به خدا و پیامبران او کافر شوند و خواهند که میان خدا و پیامبرانشان جدایی اندازند و گویند که ما به برخی از گفتار انبیاء گرویده و به پاره‌ای دیگر کافر شویم و خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند به حقیقت کافر هم اینها نیستند و ما برای کافران عذابی خوار کننده مهیا داشته‌ایم و به آنان که به خدا و رسولان او ایمان آوردند و میان هیچیک از پیامبران تفرقه نینداختند اینها را خدا به زودی اجر عطا کند و خدا پیوسته در صف بندگان بخشنده و مهربان است.

۳- سوره حجر آیات ۹۰ تا ۹۲:

كما انزلنا على المقتسمين ﴿١٠﴾ الذين جعلوا القرآن عضيرا ﴿١١﴾ فو ربك انزلناهم اجمعين ﴿١٢﴾ آن گونه عذابی که بر کسانی که آیات خدا را قسمت کردند نازل کردیم آنان که قرآن را جزء جزء و پاره پاره کرده‌اند قسم به خدای تو که از همه آنها سخت مؤاخذه خواهیم کرد.

۴- سوره بقره آیات ۸۵ تا ۸۷:

ثم انتم هو لاء، تقتلون انفسكم و تخرجون فريقاً منكم من ديارهم تظاهرون عليهم بالاثم و العدوان و ان ياتوكم اسرار تفادوهم و هو

برخوردار نشوند قابل قبول نیست. لذا در قرآن کسانی را که به بخشی از کتاب ایمان آورده و به بخش دیگر آن کفر ورزیده‌اند مکرراً مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهد. قرآن اسلام را یک مکتب فراگیر و چند بعدی می‌داند که برای سعادت انسان لازم است همه ابعاد آن مورد توجه و دقت قرار گیرند. در این زمینه مناسب است به آیات قرآن اشاراتی داشته باشیم.

۱- سوره آل عمران آیه ۷:

هو الذی انزل علیک الكتاب منه آیات محذرات هن ام الكتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأویل و ما یعلم تأویل الا الله و الراسخون فی العلم یقولون اماناه کل من عند ربنا و ما یحضر الا اولوا الالباب

اوست خدایی که قرآن را به تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که آنها اصل و مرجع دیگر آیات کتاب خواهد بود و برخی دیگر آیاتی است متشابه تا آنکه گروهی که در دلشان میل به باطل است از پی متشابه رفته تا به تاویل کردن آن در دین راه شبهه و فتنه‌گری پدید آرند در صورتی که تاویل آن جز خدای کسی نداند و اهل دانش گویند ما به همه آن کتاب گرویدیم که تمام محکم و متشابه آن از جانب پروردگار ما آمده و به این دانش و بر این معنی آگاهند.

۲- سوره نسا آیات ۱۵۰ تا ۱۵۲:

ان الذین یحذرون بالله و رسله و یریدون ان یفرقوا

ادله روشن حجت‌ها دادیم و او را به واسطه روح القدس اقتدار و توانایی بخشیدیم آیا هر پیامبری که بر خلاف هوای نفس شما اوامری از جانب خدا آرد از امرش سرپیچی کرده و از ره حسد گروهی را تکذیب می‌کنید و گروهی را می‌کشید.

۵-سوره قصص آیه ۵۰:

و لقد وصلنا لهم و القول لعلمهم يتذخرون

همانا برای اینان (مردم) سخن را پیوسته آوردیم تا شاید متذکر گردند.

سه خصوصیت مهم نظام‌گرایی یعنی هدف‌جویی و وحدت همه اجزاء و هماهنگی بین آنها، ارتباط متقابل بین اجزاء و تأثیر متقابل آنها روی یکدیگر، و بالاخره همپایانی را به خوبی می‌توان در قرآن که کتاب آفرینش انسان است و مجموعه نظام ارزشی اسلام در آن گنجانده شده ملاحظه نمود.^۸

الف: هدف‌جویی، وحدت همه اجزاء و هماهنگی بین آنها در آیاتی که به این قسمت مربوط می‌شود تصریح می‌گردد که خلقت آسمان‌ها و زمین و به‌طور کلی جهان هستی، بحث بیهوده و بدون هدف نیست اگرچه بسیاری از افراد این هدف و جهت‌گیری را درک نکنند. هدف نهایی خلقت بازگشت به خدا و اتصال به ذات لایزال باری تعالی است و همه جهان هستی در این جهت و به آن سو حرکت می‌کند.

محرّم علیکم اخراجهم افتومون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم الاخرة فإر الحیوة الدنيا و یوم القیمة یردون الی الله العذاب و ما الله بغافل عما تعملون ﴿۵۰﴾ اولئذ الذین اشتروا الحیوة الدنيا بالآخرة فلا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینصرون ﴿۵۱﴾ و لقد اتینا موسی الكتاب و قفینا من بعده بالرسل و اتینا عیسی ابن مریم البینات و ایدناه بروح القدس افطما جا، کم رسول بما لا تهوون انفسکم استظبرتم ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون ﴿۵۲﴾

با این عهد باز بر خوی زشت اخلاف خود که خون یکدیگر می‌ریزید و گروه ضعیف را از دیار خود می‌رانید و در بدکرداری و ستم بر ضعیفان پشتیبان همدیگرید و چون اسرابی بگیریید برای آزادی آنها فدیة می‌طلبید در صورتی‌که به حکم تورات اخراج کردن آنها محققاً بر شما حرام شده است چرا به برخی از احکام تورات که به نفع شماست ایمان آورده و به بعضی دیگر کافر می‌شوید پس جزای چنین مردم بدکردار چیست جز ذلت و خواری در زندگی این دنیا و سخت‌ترین عذاب در آن دنیا و خدا غافل از کردار شما نیست. اینان همان کسانی که متاع دو روزه دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند پس در آخرت عذاب آنها هیچ تخفیف نباید و کسی آنان را یاری نکند و ما به موسی کتاب تورات را عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به

۸- برای توضیح این قسمت می‌توان به کتاب «توحید و تفکر سیستمیک»، نوشته - شیرزاد، چاپ اول، کانون نشر حنیف رجوع نمود.

دریافت خواهد کرد و به هیچکس ظلم نخواهد شد.
ب: تأثیر متقابل اجزاء روی یکدیگر و ارتباط و تبادل منطقی بین آنها - در این دسته از آیات تأثیر متقابل افراد و نیروها روی یکدیگر مورد توجه قرار گرفته تا هیچ چیز را بدون علت و معلولی تحلیل نکنند. در عین حال وجود تعادل برای ادامه حیات در طبیعت و قرار گرفتن هر چیز در جای خود مورد دقت واقع شده است.

۱- رعد سوره ۱۳- آیه ۱۰:

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یرغروا ما بانفسهم
خداوند هرگز شرایط ملتی را تغییر نخواهد داد مگر آنکه خودشان را تغییر دهند

۲- طلاق سوره ۶۵ آیه ۳:

ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل نفع قدر
خداوند امر خود را می‌رساند. مسلماً برای هر چیز اندازه‌ای معین کرده است.

۳- الحجر سوره ۱۵ آیه ۱۹:

والارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها
مر ظل نهار، موزون
و زمین را گسترديم و در آن کوه‌ها را محکم و ثابت
قرار دادیم و انواع چیزها را در حد تعادل در آن
به وجود آوردیم.

ج: هم پایانی - در این دسته از آیات هم پایانی نهایی همه موجودات در جهان هستی مورد توجه واقع شده است. بدین معنی که موجودات سرانجام به

۱- دخان سوره ۴۴ آیه ۳۸:

و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لالعین
و آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست را بازپچه
خلق نکردیم.

۲- دخان سوره ۴۴ آیه ۳۹:

ما خلقناهما الا بالحق و لکن اکثرهم لایعلمون
آنها را جز برای حقیقت خلق نکردیم ولی اکثر آنها
نمی‌فهمند.

۳- مومنون سوره ۲۳ آیه ۱۱۵:

افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم لالینا
لا ترجعون

آیا پنداشتید که شما را بیهوده خلق کردیم و به سوی
ما باز نخواهید گشت.

۴- احقاف سوره ۴۶ آیه ۳:

ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق و اجل
مسمور و الذین کفروا اعما انذروا معرضون

آسمان‌ها و زمین و آنچه را که بین آنهاست خلق
نکردیم مگر بر حق و برای پایانی مشخص و آنهایی
که کفر ورزیده‌اند از آنچه آگاه شده‌اند رو
می‌گردانند.

۵- جاثیه سوره ۴۵ آیه ۲۲:

و خلق الله السموات و الارض بالحق و لتجزر کل
نفس بما کسبت و هم لایظلمون

خداوند آسمان‌ها و زمین را برای حقیقت آفریده و
هر فردی جزاء و پاداش آنچه کسب کرده است

۴- بقره سوره ۲ آیه ۱۵۶:

انالله و انا اليه راجعون

از خدا آمده ایم و به سوی آن باز می گردیم.

۵- یس سوره ۳۶ آیه ۳۸:

و الشمس تجرى لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العلیم

خورشید به سوی قرارگاه خود در حرکت است. این مشیت پروردگار عزیز و دانا است.

در اینجا به قسمتی از سخنان شهید مطهری در خصوص هدف های نهضت اسلامی که بیانگر خصوصیت نظام گزایی و چند بعدی بودن اسلام به عنوان یک کل تجزیه ناپذیر است اشاره می کنیم. «این نهضت چه هدفی را تعقیب می کند و چه می خواهد؟ آیا دمکراسی می خواهد؟ آیا می خواهد دست استعمار را از این کشور کوتاه کند؟ آیا برای دفاع از آنچه امروز حقوق بشر نامیده می شود به پا خواسته است؟ تبعیض ها، نابرابری ها را می خواهد معدوم کند؟ ریشه ظلم را می خواهد بکند و آیا ...»

پاسخ این پرسش ها را از آنچه درباره ماهیت نهضت آن بیان کردیم و هم از بیانی ها و اعلامیه های رهبران نهضت می توان به دست آورد. آنچه اینجا به اجمال در پاسخ به این پرسش ها می توان گفت این است که: آری و نه

آری، یعنی همه آن هدف ها جزء اهداف نهضت است و نه، یعنی محدود به هیچیک از آنها نیست. یک نهضت اسلامی نمی تواند از نظر هدف محدود باشد زیرا اسلام در ذات خود یک «کل

یک نقطه رجوع خواهند کرد و در دوران زندگی نیز حوادثی پیش خواهد آمد که از نظر خالق و آفریننده جهان مشخص و روشن است گرچه برای انسان ناشناخته و مجهول می باشد.

۱- تکویر سوره ۸۱ آیات ۱ تا ۶:

إذا اللهم صورت ۱ و إذا النجوم انطدرت ۲ و إذا الجبال سیرت ۳ و إذا الصفا عطت ۴ و إذا الوحوش حشرت ۵ و إذا البحار سجرت ۶

هنگامی که خورشید به تیرگی می گراید و موقعی که ستاره ها روشنایی خود را از دست می دهند و هنگامی که کوه ها به حرکت در آیند و هنگامی که شتران ماده بچه دار تنها رها شوند و هنگامی که اقیانوس ها می جوشند.

۲- انعام سوره ۶ آیه ۲:

هو الذی خلقکم من طین ثم قصر اجلا و اجل مسمرا عنده ثم انتم تموتون

او است که شما را از خاک آفرید و پایان معینی را برای شما قرار داد و پایان دیگری نزد او برایتان تعیین شده است مع هذا در بین خود اختلاف دارید.

۳- اعراف سوره ۷ آیه ۳۴:

ولکل امة اجل فاذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة و لا يستقدمون

برای هر مردمی دوره ای است تعیین شده، هنگامی که اجل آن فرا می رسد نمی توانند ساعتی آن را به تعویق اندازند و یا تسریع نمایند.

می‌توان آنها را از منابع معتبر استخراج کرده و مدون نمود، اما این موضوع که در زندگی صنعتی و در بوروکراسی اداری سازمان‌های امروزی این روابط دستخوش چه تغییرات و تحولاتی می‌گردند مطلبی نیست که ما توقع داشته باشیم مستقیماً در منابع اسلامی تشریح شده باشد، از این رو هرگونه انتظاری مبنی بر تشریح و تنظیم ریز مسائل مربوط به تأثیر ماشین و تکنولوژی بر زندگی امروز و تأثیر آن در امر مدیریت و یا انتظار جست‌وجوی ریز روابط بین افراد در یک سازمان صنعتی یا اداری انتظاری نابه‌جا خواهد بود و لذا همان‌طور که قبلاً ذکر شده است مدیریت اسلامی به بحث پیرامون اصول و ضوابط کلی در اداره جامعه و خصوصیات مدیریت اسلامی به بحث پیرامون اصول و ضوابط کلی در اداره جامعه و خصوصیات مدیریت و مدیر می‌پردازد و به یک سطح خاص از مدیریت یا سازمان محدود نمی‌گردد. به عنوان مثال وقتی موضوع شورا و مشاوره به عنوان یک اصل در نظام تشکیلاتی و ارزشیابی اسلامی مورد بحث قرار می‌گیرد این اصل در همه سطوح مدیریت جامعه اسلامی از مقام رهبری گرفته تا مدیریت یک مدرسه یا خانواده مصداق دارد و در یک سطح خاص مثلاً سطح حکومت یا سطح مؤسسات بزرگ و... محدود نمی‌شود. اما اینکه این اصل شورا و مشاوره در هر سطحی چگونه اجرا گردد، حدود وظایف و اختیارات آن چه باشد و افراد مورد مشاوره چگونه تعیین گردند چیزی است که

تجزیه ناپذیر» است و با به دست آوردن هیچیک از آن هدف‌ها پایان نمی‌پذیرد^۹». این بیان شهید مطهری در حقیقت بیش از پیش خصوصیت نظام‌گرایی را در مدیریت اسلامی روشن می‌سازد چرا که اسلام یک کل تجزیه ناپذیر است و برای تدوین مدیریت اسلامی نیز باید به همه خصوصیات این مکتب در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و... توجه داشت.

۳- اصل کلیت و عام بودن

با توجه به اینکه بحث مدیریت اسلامی بیشتر پیرامون اصول و مبانی مدیریت است تا بحث تکنیک‌ها و روش‌ها لذا بحثی کلی و اساسی است که مربوط به همه سطوح مدیریت از مدیریت گروه و سازمان تا مدیریت جامعه و امت اسلامی می‌باشد و اختصاص به یک سطح از سطوح و یک بعد از ابعاد مختلف مدیریت ندارد و این بدین معنی نیست که ما نیاز به تحقیق پیرامون مسائل مربوط به سازمان و مؤسسات را نداریم بلکه بدین معنی است که آنچه که ما به عنوان مبانی ارزشی و اصول مدیریت در اسلام از کتب و ماخذ اسلامی استخراج می‌نماییم ناظر بر مدیریت به صورت عام و در سطوح مختلف جامعه است. به عنوان مثال روابط انسان نسبت به زیردستان و مسؤولان موضوعی است که در همه سطوح مدیریت مطرح می‌باشد و بعضی از اصول کلی نظام ارزشی اسلام است که

۹- نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، نوشته مرتضی مطهری، چاپ نشر عصر- قم، صفحه ۶۸

نتیجه گیری

مدیریت اسلامی مبتنی بر اصول و مبانی فلسفی عقیدتی است که از جهان بینی الهی نشأت می گیرد. در مدیریت اسلامی به اصل نظام گرایی و خصوصیت کلی و عام بودن مدیریت برای تعمیم آن در همه سطوح مدیریت توجه شده است.

نمی توان انتظار داشت در منابع اسلامی نسبت به تک تک آنها به صورت ریز اظهار نظر کامل شده باشد بلکه با استفاده از اصول و ضوابط شوراها در اسلام می توان این مشخصات را برای هر سطح از مدیریت جامعه تعیین کرد، همانگونه که قانون شوراها در مجلس شورای اسلامی با اتکاء به اصول مربوط به آن در قانون اساسی برای سطوح مختلف تصمیم گیری تدوین و تنظیم گشت.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- شهید مرتضی مطهری، شش مقاله، جهان بینی الهی و جهان بینی مادی، انتشارات صدرا، چاپ آریین، اسفند ۱۳۶۳
- ۳- شهید مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی، چاپ نشر عصر، قم
- ۴- خیام
- ۵- دکتر عبدالله جاسبی، اصول و مبانی مدیریت، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۳۷۴
- ۶- مهندس مهدی بازرگان، راه طی شده،
- ۷- دکتر سیدعلی افجه ای، مدیریت اسلامی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۳
- ۸- شیرزاد، توحید و تفکر سیستمیک، چاپ اول، کانون نشر حنیف